

واکاوی علل تغییر نگرش زیر بن عوام به امام علی علیه السلام

پس از رحلت پیامبر ﷺ

سید محمد زمانی فرد^۱  10.61186/HAS.2024.1591.1059

غلامحسین کمیلی تخته جان^۲

چکیده

یکی از مسائل مهمی که در مسیر نظام اسلامی پیامبر ﷺ تأثیر بسیاری در جامعه نهاد، دگرگونی رفتار و مرام اجتماعی صحابه ایشان بود. در مقطعی از تاریخ این تغییر رفتارها باعث تغییراتی در روند حرکت امت اسلامی شد. یکی از این اصحاب، زیر بن عوام است که با تغییر مرام و تعامل با دیگر اصحاب، موجب شکل گیری حوادثی در سیر تاریخ شد؛ از این جهت ضروری است تا شاخص های تأثیرگذار در این تغییر رفتار بررسی و به علل آن پرداخته شود؛ از جمله این دلایل می توان به اشرافیت، حرص و طمع، اصرار فرزندان، بی بصیرتی و ادعای خلافت اشاره کرد. زیر کسی است که نکات مثبت و منفی زیادی درباره او نقل شده است. برخی او را تجلیل کرده و عاقبت به خیر می دانند و برخی دیگر وی را به خاطر اعمالش در آتش دوزخ می بینند. عده ای نیز اعتقاد دارند زیر اشتباهاتی داشته است؛ اما او را عاقبت به خیر می دانند. هدف از این نوشتار کشف دلایل تغییر رفتار زیر بن عوام و پرداختن به شاخص های آن است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و براساس اسناد کتابخانه ای شخصیت زیر را بررسی می کند.

واژگان کلیدی: علی بن ابی طالب علیه السلام، صدر اسلام، زیر بن عوام،

تحولات زندگی، جنگ جمل، آل زیر، صحابه.

۱. دانش پژوه سطح سه رشته تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام، مدرسه تخصصی قرآن و عترت، حوزه علمی خراسان

(نویسنده مسئول)، s.m.z@chmail.ir

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث، gh.komaily@gmail.com

دگرگونی در روش زندگی و رفتار فردی و اجتماعی اصحاب رسول خدا ﷺ از جمله مهم‌ترین موضوعاتی است که در جامعه اسلامی تأثیر گذاشت. این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که تغییرات اصحاب در مقطعی از تاریخ باعث تغییر در مسیر امت اسلامی پس از رحلت پیامبر ﷺ شد. از آنجایی که زندگی پرفرازونشیب زبیر بن عوّام، به عنوان یکی از اصحاب پیامبر ﷺ، جزو یکی از برجسته‌ترین حوادث تاریخ صدر اسلام به شمار می‌آید، ضروری است این دگرگونی‌ها بررسی شود. عده‌ای از مورخان درباره وی سخن‌ها رانده‌اند و تجلیل‌ها کرده‌اند. در مقابل، کسانی هستند که سرانجام زندگی وی را خوشایند توصیف نمی‌کنند و معتقدند وی در هنگام مرگ عاقبت‌به‌خیر نشده است. عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که زبیر اشتباه کرد؛ اما عاقبت او ختم‌به‌خیر شد.

کتاب‌هایی نظیر الزبیر بن العوّام نوشته حلمی علی شعبان، محض المرام فی فضائل الزبیر بن العوّام اثر ابن‌المبرّد، نخبگان دیروز و امروز: تحلیلی بر عوامل ریش، رویش، فراز و فرود کاری از اسدالله محمدی‌نیا و ده یار بهشتی نوشته محمدعباس عطائی اصفهانی و مقالاتی نظیر «بررسی جایگاه و نقش علی بن ابی‌طالب (ع) و زبیر بن عوّام در تحولات عصر نبوی ﷺ» کاری از علی سرافراز، «امام علی (ع) و زبیر از تفاهم تا تخاصم» اثر یاسمین حاتم‌الابراهیمی، «زبیر بن عوّام» نوشته محمدسعید نجاتی، «رفتارشناسی زبیر در دوران خلافت امام علی (ع)» اثر علی سرافراز و... در باب زندگی زبیر بن عوّام نگاهی شده است؛ اما هیچ‌کدام به‌طور مستقل به عوامل و علل تغییرات وی و تأثیرات آن بر سیر تاریخ پرداخته‌اند.

در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و براساس اسناد کتابخانه‌ای تغییرات زندگی و رفتار زبیر بن عوّام بیان می‌شود. هدف از این پژوهش یافتن عوامل و علل تغییر مرام و رفتار زبیر در طول زندگی است.

۱. زیست‌بوم

ابوعبدالله زبیر بن عوّام بن خُوَیلِد از قبیله بنی‌اسد بن عبدالعزّای قریش است (ابن‌سلام، ۱۴۱۰: ۲۰۵). پدرش عوّام برادر حضرت خدیجه (ع)، با عمه پیامبر ﷺ صفیه ازدواج کرد

و در جنگ فجار دوم^۱ کشته شد (بلاذری، ۱۹۸۸: ج ۹، ۴۴۱). مادرش صفیه دختر عبدالمطلب بن هاشم است که جزو صحابی و راویان بوده است. گفته‌اند که وی اولین زن مسلمانی است که یکی از مشرکان را کشت (عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۸، ۲۱۳ و ۲۱۴).

قبل از بعثت صفیه همسر حارث بن حرب از قبیله بنی عبدالشمس بود؛ ولی پس از فوت او به عقد خُوَیلِد درآمد و فرزندی به نام‌های عبدالکعبه و زبیر و سائب به دنیا آورد (زبیری، ۱۹۵۳: ۲۳۵؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۴، ۳۱۳). مادر زبیر از بانوان بزرگ صدر اسلام است که شجاعانه بر جنازه مثله‌شده برادرش حمزه سیدالشهدا حضور یافت و استرجاع خواند و برایش استغفار کرد (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۲، ۹۶).

همسر زبیر اسماء بنت ابی‌بکر خواهر عایشه است (ابن سعد، ۱۳۸۹: ج ۳، ۱۶۹). وی یازده پسر و نه دختر داشت (ابن سعد، ۱۳۸۹: ج ۳، ۷۴؛ ابن حبیب، بی‌تا: ۱۰۰؛ جوزی، ۱۳۹۹: ج ۱، ۳۴۳) که عبدالله مشهورترین آنهاست (بلاذری، ۱۹۸۸: ج ۵، ۳۷۳ و ۳۷۴). تاریخ تولد زبیر در منابع دقیق ذکر نشده؛ اما براساس سال ایمان آوردن او که در اول بعثت و شانزده سالگی بوده (ابن سعد، ۱۳۸۹: ج ۳، ۸۸)، می‌توان فهمید که پانزده سال پیش از بعثت به دنیا آمده و پنج سال هم از امام علی علیه السلام بزرگ‌تر بوده است. نسب امام علی علیه السلام و زبیر از طرف پدر به قُصَی بن کلاب^۲ می‌رسد و از طرف مادر زبیر پسرعمه امام علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله محسوب می‌شود؛ چون صفیه خواهر ابوطالب و عبدالله بوده و مادر صفیه خاله ایشان به شمار می‌آید (عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۴۵۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۴، ۱۳۲). حضرت فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر امام علی علیه السلام، دخترعمه زبیر است؛ چراکه حضرت خدیجه علیها السلام، خواهر عَواَم، عمه زبیر به حساب می‌آید (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۷، ۲۲۰). در منابع کهن فضائل زیادی درباره زبیر نقل شده است و مورخانی نظیر ابن سعد، بلاذری، عسقلانی و طبرانی در این باره سخن گفته‌اند.

۱. «فجار» در لغت از «مفاجره» و «فجور» به معنای فسق و عصیان گرفته شده؛ چنانکه گفته‌اند در زمان جاهلیت جنگ‌هایی میان قبائل عرب اتفاق افتاده که چون در ماه‌های حرام بوده و حرمت ماه حرام را شکستند یا به‌خاطر اینکه مشتمل بر خلاف‌های دیگری بوده است این جنگ‌ها را «فجار» نامیده‌اند.

۲. جد چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوای قریش در مکه.

۲. فضائل زبیر

مورخان فضیلت‌های فراوانی برای زبیر نقل کرده‌اند که دال بر شجاعت و جسارت او است. زبیر بن عوّام از پیشی‌گیرندگان در اسلام و چهارمین یا پنجمین کسی است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۷۵) که در کودکی یا نوجوانی ایمان آورده است (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۹، ۴۲۱). وی با شکنجهٔ مسلمانان به‌دست عمویش نوفل بن خویلد که سرپرستی وی را به عهده داشت مخالفت می‌کرد (عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۴۵۷ و ۴۵۸). زبیر عمدتاً سلحشور و با شمشیر مأنوس بود و مادرش صفیه همواره سعی می‌کرد وی را جنگ‌جو و صبور بار بیاورد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۱۳). او را نخستین مسلمانی دانسته‌اند که به شایعهٔ دستگیری یا شهادت پیامبر ﷺ واکنش نشان داد و در راه اسلام شمشیر کشید (طبرانی، ۱۴۰۳: ۵۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۱: ج ۵، ۳۴۴ و ج ۷، ۲۴۸). زمانی که مهاجران اولیه در حبشه و در امان نجاشی به سر می‌بردند فردی علیه حکومت وی شورش کرد. در این هنگام مسلمانان سخت اندوهگین شدند. وقتی نجاشی برای مقابله با این فرد عازم شد مسلمانان که نگران شکست وی بودند، درخواست کردند تا یک نفر برود و برایشان خبر بیاورد. زبیر که جوان‌ترین فرد حاضر بود با مشک آبی از رودخانهٔ نیل عبور کرد و خبر غلبهٔ نجاشی بر شورشیان را آورد و باعث شادی مسلمانان شد (ابن هشام، ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۷۵؛ ذهبی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۸۳؛ ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۲، ۴۱۲). از این جریان مشخص می‌شود که زبیر جزو اولین مهاجران به حبشه بوده است.

زبیر را از شجاع‌ترین مردان (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ۱۱۷) و از تک‌سواران قریش (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ج ۲، ۴۶۵) دانسته‌اند. زبیر در تمام غزوات پیامبر ﷺ حاضر بوده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۱۸، ۳۴۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۵۰). او در جنگ اُحد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۲، ۱۵۲) و بنی قریظه (ابن سید الناس، ۱۴۱۴: ج ۲، ۴۰) فرمانده و در فتح مکه و حنین (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۹۹) و تبوک (یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۶۷) جزو پرچم‌داران سپاه اسلام بود. او در غزوة خندق یک نفر از دشمنان را کشت (ابن سعد، ۱۳۸۹: ج ۲، ۵۳) و در همین غزوه بود که پیامبر ﷺ به وی لقب حواری (دوست خاص) داد (ابن سعد، ۱۳۸۹: ج ۳، ۷۸).

۳. زیبر در دوره حکومت پیامبر ﷺ در مدینه

زیبر از چند جهت با پیامبر ﷺ نسبت خویشاوندی داشت. وی در نبردها و موقعیت‌های حساس همراه پیامبر ﷺ بود و ایشان را یاری کرد. زیبر جزو کسانی بود که در سال پنجم بعثت از راه بندر شُعَیبیه به طرف دریای سرخ رفتند و به حبشه مهاجرت کردند. وی دو نوبت به آنجا سفر کرد (ابن سعد، ۱۳۸۹: ج ۱، ۱۹۰) و لقب «هاجرُ الهجرَین»^۱ را به همین خاطر بر او اطلاق می‌کنند (ابن کثیر، ۱۳۵۱: ج ۷، ۲۷۷). در مراسم رحلت پیامبر ﷺ امام علی علیه السلام، زیبر، عباس و فرزندان حضور داشتند و زیبر تا لحظه آخر کنار پیکر ایشان حضور داشت (ابن سعد، ۱۳۸۹: ج ۲، ۱۹۸). زیبر بعد از رحلت رسول خدا ﷺ و تشکیل شورای سقیفه از جمله افرادی بود که در حمایت از وصایت امام علی علیه السلام شمشیر کشید.

۴. زیبر در زمانه خلفا

بعد از اینکه رسول خدا ﷺ رحلت کردند مراسم غسل و کفن و دفن ایشان به پایان نرسیده بود که مهاجر و انصار برای انتخاب خلیفه در سقیفه گرد هم آمدند و پس از مشاجرات فراوان ابوبکر را برگزیدند. زیبر با تأسی از امام علی علیه السلام از بیعت با ابوبکر امتناع کرد (بلاذری، ۱۹۸۸: ج ۲، ۲۶۳ و ۲۶۴؛ یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۲۴). او یکی از شاهدان وصیت حضرت فاطمه زهرا علیه السلام بود (صدوق، ۱۴۰۴: ج ۴، ۲۴۴) و در اقامه نماز مخفیانه بر پیکر ایشان شرکت داشت (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۳۰۰).

پس از بیعت امام علی علیه السلام زیبر نیز با ابوبکر بیعت کرد و همکاری خود را با دستگاه خلافت آغاز کرد و در مقابله با مرتدانی که قصد حمله به مدینه داشتند شرکت کرد (طبری، ۱۳۷۸: ج ۳، ۲۴۵). با کنار گذاشتن بعضی گزارشات که درباره مانعت عمر از حضور زیبر در فتوحات صادر شده (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۱۸، ۴۰۲ و ۴۰۳) وی در جنگ یرموک (ابن کثیر، ۱۴۱۱: ج ۷، ۲۴۹) و فتح مصر، اسکندریه، عین شمس (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۵۶۵) و اصفهان و جنگ نهاوند (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۳۲۲) شرکت داشته است. زیبر از مشاوران عمر بود (طبری، ۱۳۷۸: ج ۴، ۱۲۳) و عمر او را جزء اعضای شش نفره

۱. کسی که در هر دو هجرت شرکت داشته است.

شورای تعیین خلیفه قرار داد (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۱۸، ۴۰۴)؛ اما به نفع امام علی علیه السلام از این شورا کناره گیری کرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۵، ۱۲۴).

در دوره خلفا و در مسیر فتوحات، ثروت و غنائم فراوانی به دارالخلافه راه یافت. در پی این ثروت عظیم، اشرافیت و رفاه زدگی به جای ایمان و تقوا در جامعه گسترش یافت و رقابت مانور تجمل بین صحابه شکل گرفت. زبیر، سعد بن ابی وقاص، طلحه، عبدالرحمن بن عوف و زید بن ثابت از جمله کسانی بودند که به اشرافیت روی آوردند (ابن سعد، ۱۳۸۹: ج ۳، ۱۰۸).

زبیر در زمان خلافت عثمان جایگاه بلندی پیدا کرد و صاحب دارایی هنگفتی شد (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۳۳۳). بخشی از این ثروت اقطاعی (واگذاری زمین به افراد نظامی) بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به او بخشیده بودند؛ مانند نخلستانی از غنائم بنی نضیر (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۹، ۴۲۷) و زمین حاصل خیزی که در سه میلی مدینه قرار داشت (مقریزی، ۱۴۲۹: ج ۹، ۳۶۲) و معروف به بقیع زبیر بود (حموی، ۱۹۹۵: ج ۵، ۸۶). در املاک او هزاران برده کار می کردند (ذهبی، ۱۴۱۰: ج ۳، ۴۹۸) و علاوه بر بیشه‌ای سرسبز و یازده خانه در مدینه (سهمودی، ۲۰۰۶: ج ۴، ۱۲۲)، چند خانه هم در کوفه و اسکندریه و بصره بنا کرد (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۳۳۲). بعد از محاصره خانه عثمان و قتل وی مردم دسته‌دسته به خانه امام علی علیه السلام هجوم آوردند و با ایشان بیعت کردند. یکی از این افراد زبیر بود که جزو اولین نفرات بیعت کننده بود.

۵. زبیر در دوران خلافت امام علی علیه السلام

زبیر و امام علی علیه السلام هر دو از یاران نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله و پیش گامان در اسلام بودند. رشادت‌ها و همکاری‌های این دو نفر در منابع کهن ثبت شده و مورخان به این نکته اذعان دارند. ابتدای امر زبیر گام به گام با اهل بیت علیهم السلام همدل و همکار بود؛ اما بعد این همکاری به رودررویی تبدیل شد که در ادامه به این فرازونشیب‌ها اشاره می‌شود.

۱.۵. تفاهم بین امام علی علیه السلام و زبیر

امام علی علیه السلام و زبیر از معدود چهره‌های برجسته‌ای بودند که در نبردهای خندق و احد تا پای جان از پیامبر صلی الله علیه و آله دفاع کردند (یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۴۰۷). زبیر از جمله کسانی بود که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا لحظه آخر کنار پیکر ایشان ماند و امام علی علیه السلام

عهده‌دار غسل و کفن و دفن ایشان بودند (مقریزی، ۱۴۲۰: ج ۲، ۱۳۶). در همین روز در مدینه عده‌ای از انصار در سقیفه بنی ساعده برای تصاحب خلافت پیامبر ﷺ گرد هم آمده بودند. پس از اختلاف مهاجران و انصار در امر خلافت و انتخاب ابوبکر جمعی از طرفداران امام علی علیه السلام که معترض بودند در خانه ایشان اجتماع کردند. زیر یکی از متحصنان بود که با طرفداری از امام علی علیه السلام با ابوبکر مخالفت کرد (مفید، ۱۳۶۷: ۶۴). نقل شده زمانی که عمر بن خطاب برای گرفتن بیعت به خانه امام علی علیه السلام آمد و معترضان را تهدید کرد، زیر در پاسخ شمشیر کشید؛ اما پایش لغزید و زمین خورد و شمشیرش را از او گرفتند (ابن قتیه دینوری، ۱۴۱۰: ۲۸). وی از جمله کسانی بود که در حمایت امام علی علیه السلام هم پای ابوذر و سلمان و مقداد سر خود را تراشید (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۲: ج ۵، ۱۲۲).

در اکثر منابع اولیه ثبت شده است که پس از کشته شدن عثمان قریب به اتفاق مردم از جمله طلحه و زبیر با امام علی علیه السلام به صورت علنی بیعت کردند و بیعت ایشان از سر اجبار نبوده است (یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۷۸؛ ابن قتیه دینوری، ۱۴۱۰: ج ۱، ۴۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۳، ۵۶۰؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۷۲: ج ۲، ۱۹۷؛ طبری، ۱۳۶۸: ۲۲۲۸؛ ابن هلال، ۱۳۷۱: ۱۱۲). طلحه و زبیر سودای ریاست داشتند؛ ولی از آنجایی که اقبالی از سمت مردم ندیدند به ناچار و برای گرفتن حکومت کوفه و بصره با امام علی علیه السلام بیعت کردند (شهیدی، ۱۳۸۸: ۵۱ و ۵۲). در نگاه برخی زبیر خود را هم‌ردیف امام علی علیه السلام می‌دانست و تنها به امید حکومت یا ترس از فشار افکار عمومی مهاجران و انصار با ایشان بیعت کرد (سبحانی، ۱۳۶۸: ۳۴۲). همراهی و همکاری دائمی زبیر با امام علی علیه السلام موجب شده بود امام علی علیه السلام وی را یکی از اهل بیت علیهم السلام بدانند (ابن قتیه دینوری، ۱۴۱۰: ج ۱، ۲۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۳۹).

۲.۵. تخاصم زبیر با امام علی علیه السلام

زبیر تا قبل از بیعت با ابوبکر همدم و شریک تنهایی‌های امام علی علیه السلام بود؛ اما پسران زبیر که با امام علی علیه السلام مخالف بودند زمینه جدایی این دو را فراهم کردند (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۲: ج ۵، ۱۲۲). اولین جرقه اختلاف بین امام علی علیه السلام و زبیر در ماجرای محاصره خانه عثمان زده شد. با وجود انتقاداتی که امام علی علیه السلام به عثمان داشت

محاصره خانه وی توسط شورشیان را تأیید نکرد و حسن بن علی را برای محافظت از عثمان به منزل او فرستاد (مفید، ۱۳۶۷: ۷۵ و ۷۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ۱۶۰)؛ اما زیر از در مخالفت وارد شد و نه تنها از عثمان حمایت نکرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ۱۷۵)؛ بلکه بعد با افتخار اعلام کرد که مردم را از هر سو علیه عثمان شورانیدیم تا کشته شود (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۲: ج ۵، ۱۲۳). امام علی علیه السلام بعد از قبول خلافت به صراحت اعلام کردند که نظام موجود را بر هم زده و بیت المال را عادلانه تقسیم کرده و تبعیض ها و اختلافاتی را که خلیفه سابق به وجود آورده نابود خواهد کرد (اسکافی، ۱۴۰۲: ۱۰۹؛ انصاریان، ۱۳۸۸: ۱۵ و ۱۶).

طلحه و زبیر عضو شورای شش نفره عمر و یکی از گزینه های خلافت بودند (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۲: ج ۲، ۱۸۵) و انتظار داشتند در دولت امام علی علیه السلام به منصب برسند؛ اما بعد از اینکه دریافتند او اهل معامله نبوده و حاضر نیست مقامی به آنها بدهد لب به اعتراض گشودند (شهیدی، ۱۳۸۳: ۱۵۱ و ۱۵۲).

۱.۲.۵. پیمان شکنی

زیر از جمله کسانی است که پس از قتل عثمان، علاوه بر اینکه دیگران را به بیعت با امام علی علیه السلام تشویق می کرد (ابن قتیه دینوری، ۱۴۱۰: ۷۲)، آزادانه با ایشان بیعت کرد (یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۷۴؛ مفید، ۱۳۶۷: ۱۹۲ تا ۲۰۳). طلحه و زبیر از حضرت علی علیه السلام حکومت بصره و کوفه را طلب کردند؛ اما ایشان نپذیرفتند (یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۸۰؛ طبری، ۱۳۷۸: ج ۴، ۴۲۹). مخالفت معاویه و عایشه باعث مصمم شدن این دو تن در مسیر مخالفت با امام علی علیه السلام شد. زمانی که گزارش مخالفت آنان به امام علی علیه السلام رسید منکر شدند و از ایشان اجازه گرفتند تا به مکه رفته و عمره به جای آورند. آنان حین خروج از مکه با هرکس که برخورد کردند گفتند که ما از روی اجبار بیعت کرده ایم. وقتی این خبر به امام علی علیه السلام رسید فرمودند: «آنان با من روبرو شدند؛ درحالی که فاجر بودند و از نزد من خارج شدند؛ درحالی که خیانت کار شدند.» (اسکافی، ۱۴۰۲: ۲۵). ظاهراً فجور آنان گفته ها و افکارشان و خیانتشان شکستن عهد و پیمان با امام علی علیه السلام بوده است.

طولی نکشید که خود زیر بیعت با امام علی علیه السلام را شکست و همراه طلحه و به بهانه عمره از مدینه خارج شد. او در مکه عایشه را تشویق به جنگ با امام علی علیه السلام کرد (رازی،

۱۳۵۸: ۳۷۷) و علی رغم اعتراف به کشتن عثمان ادعایش برای این کار انتقام خون عثمان و بیعت اجباری با امام علی (ع) بود.

۲.۲.۵. جنگ جمل

عایشه با فتوای تاریخی «أَقْتُلُوا نَعْمًا لَّقَدْ كَفَرَ»^۱ مردم را علیه عثمان تحریک کرد (طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ۴۷۷) و زیر نیز از جمله کسانی بود که در این شورش نقش داشت (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۸). وقتی عایشه در بین راه مکه به مدینه متوجه شد که مردم با امام علی (ع) بیعت کردند بعد از بر زبان آوردن استرجاع گفت: «به خداوند (ع) من از علی بدم می‌آید. او حق مردم را غصب کرد و خلیفه مسلمانان را مظلومانه کشت. مرکبم را برگردانید. مرکبم را برگردانید.» سپس به مکه بازگشت (مفید، ۱۳۶۷: ۱۶۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۱۸). عایشه و طلحه و زبیر وارد مکه شدند و گروهی از افراد ناراضی از حکومت جدید را با خود همراه کردند. آن‌ها بصره را به عنوان مرکز شورش انتخاب کردند. والی منصوب عثمان، عبدالله بن عامر که از ترس حسابرسی امام علی (ع) به ناکثان مکه ملحق شده بود قول داد نیرو و هزینه مورد نیاز شورش را تأمین کند (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۸۴).

زبیر و همراهانش وارد بصره شدند. عایشه برای مردم سخنرانی و هدف خود را خون‌خواهی عثمان و واگذاری خلافت به شورا بیان کرد. یکی از بزرگان بصره نامه طلحه را به وی نشان داد و گفت: «تا دیروز ما را به قتل عثمان تشویق می‌کردی. امروز خون‌خواه او شده‌ای؟!» (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ج ۱، ۵۲). لشکر ناکثان به قصد جنگ صف بستند. عثمان بن حنیف، والی بصره، با یاران خود در مقابل ناکثان حاضر شد. نخست آنان را به خداوند (ع) و اسلام قسم داد و سپس بیعت آنان با امام علی (ع) را یادآوری کرد؛ اما آنان گفتند ما طالب خون عثمانیم. ابن حنیف بعد از اتمام حجت به آنان حمله کرد. جنگ سختی در گرفت؛ ولی پس از مدتی صلح‌نامه‌ای بین دو طرف منعقد شد (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۴۱۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۷۱۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۸۱؛ نویری، ۱۳۶۴: ج ۵، ۱۲۳).

۱. شیخ احمد و پیر بی‌خرد را بکشید که کافر شده است.

مفاد صلح نامه این بود که دارالاماره و مسجد و بیت المال در اختیار عثمان بن حنیف باشد و یاران وی و اصحاب عایشه آزادانه در بصره رفت و آمد کنند تا امام علی (ع) بیایند و ماجرا را فیصله دهند. آنان بر این پیمان شاهد گرفتند که میثاق خداوند (ع) و تعهد پیامبر (ص) بر عهده ایشان باشد. پس از آن هرکس به هر گروهی که مایل بود پیوندد. بعد از گذشت چند روز که والی بصره در خانه به خواب رفته بود طلحه و مروان و زبیر به دارالاماره حمله کردند و چهار نگهبان آنجا را کشتند. عثمان که خارج شد او را گرفتند و یارانش را کشتند و موهای سروصورت و ابروهایش را کردند (نویری، ۱۳۶۴: ج ۵، ۱۲۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۷۱۵؛ یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۸۱؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۴۱۳). پس از نقض پیمان ناکثان در مدینه، این دومین پیمان شکنی آنان بود که باعث کودتایی خونین و خیانتی آشکار شد (ملکی میانجی، ۱۳۷۵: ۷۸). امام علی (ع) بعد از آگاهی از حرکت سپاه جمل به سمت بصره با خواص مشورت کردند و فرمودند: «راه درست این است که آنها را تعقیب و دستگیر کنم. اگر به آنان نرسیدم مردم کوفه را فرامی خوانم و به همراه آنان به نبرد با ناکثان می روم.» (مفید، ۱۳۶۷: ۱۴۵). پیامبر (ص) به امام علی (ع) توصیه کرده بودند با ناکثان بجنگد (مفید، ۱۳۶۷: ۴۰ و ۴۱؛ اسکافی، ۱۴۰۲: ۵۷).

با اینکه لشکر امام علی (ع) از آمادگی کامل برخوردار بود، ایشان تلاش فراوانی کرد که این فتنه و آتش جنگ به صورت مسالمت آمیز خاموش شود. به همین منظور تا سه روز به سوی طرف مقابل پیک می فرستاد تا آنها را مطیع سازد (ابن مسکویه، ۱۳۷۹: ۴۸۵). یک بار عبدالله بن عباس و زید بن صُوحان^۱ را نزد شورشیان فرستاد. آنها خطاب به عایشه گفتند: «قرآن به تو فرموده است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾^۲ (احزاب، ۳۳). هشدار که خویشاوندی طلحه و دوستی عبدالله بن زبیر تو را به دوزخ نیندازد! ای عایشه، توبه کن و به طرف خداوند (ع) بازگرد.» عایشه گفت: «من توان پاسخ به ادله علی بن ابی طالب را ندارم.» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۴۲۳). امام علی (ع) بعد از اینکه یقین پیدا کردند زبیر بر اراده باطل خود اصرار دارد احساس خود را این گونه ابراز کردند: «خداوند! زبیر پیوند

۱. برادر بزرگتر صَعَصَه بن صُوحان.

۲. «در خانه هایتان قرار و آرام بگیرد.»

خویشاوندی را قطع کرد و بیعت مرا شکست و دشمن مرا یاری داد. امروز هرطور که می‌دانی شر او را از من بردار.» (اربلی، ۱۳۶۴: ج ۱، ۳۲۶). وقتی ارسال پیک و نامه‌نگاری مؤثر واقع نشد و لشکر مقابل بر اراده خود پافشاری کرد، دو طرف برای نبرد آماده شدند.

در آستانه جنگ امام علی علیه السلام زیبر را فراخواندند و او را قسم دادند و گفتند: «آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدی که فرمودند: "تو با علی می‌جنگی؛ درحالی که ظالم و ستمگر هستی؟" زیبر گفت: «آری. درست است.» امام علی علیه السلام گفتند: «پس چرا در این نبرد حاضر شده‌ای؟» زیبر سر به زیر افکند و گفت: «یا علی، سخنی به من یادآوری کردی که اگر پیش از این به یاد داشتم هرگز در این نبرد شرکت نمی‌کردم. به خداوند جل جلاله با تو نمی‌جنگم.»؛ لذا گریان شد و از نبرد کنار رفت (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۲، ۶۱۷؛ طبری، ۱۳۸۷: ج ۴، ۵۰۲؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۴۲۶؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰: ج ۱، ۹۲).

جنگ جمل با شکست اصحاب جمل و کشته شدن عده‌ای از مسلمانان ازجمله چند تن از صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله به پایان رسید. هرچند این جنگ به پیروزی امام علیه السلام ختم شد، خواه ناخواه باعث جری شدن و تحکیم حکومت بنی‌امیه و شروع جنگی جدید به نام صفین شد (آئینه‌وند، ۱۳۶۳: ۱۲۳).

۳.۲.۵. قتل زیبر

قبل از شروع نبرد امام علی علیه السلام با زیبر صحبت و سخنی از پیامبر صلی الله علیه و آله را به وی یادآوری کردند: «ای زیبر! روزی تو بر علی شمشیر خواهی کشید.» زیبر وقتی این سخن را شنید از نبرد منصرف شد و گفت که من در این امر بصیرتی ندارم (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۱۸۴). زیبر در وادی السباع و در راه برگشت به مدینه به‌دست یک صحرانشین به نام عمرو بن جرموز کشته و همان‌جا دفن شد (مفید، ۱۳۶۷: ۲۳۴). قاتل وی شمشیر و سر بریده زیبر را به‌قصد دریافت پاداش نزد امام علی علیه السلام آورد. وقتی او شمشیر را دید اندوهگین شدند و فرمودند: «صاحب این شمشیر چه غم‌هایی را از چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله زدود؛ ولی روزگار چنین سرنوشتی را برای او رقم زد.» (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۹۳؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۷۲۱). سپس فرمودند: «فرجام قاتل پسر صفیه، زیبر، آتش دوزخ است (ابن سعد، ۱۴۱۲: ج ۳، ۱۱۰ و ۱۱۱؛ طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۴، ۵۱۰؛ ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۹۳؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ج ۱، ۹۴).

۶. دلایل تغییرات زیر

بعد از ذکر سیر زندگی زیر باید به دلایل تغییر مرام او پرداخته شود. چه عواملی باعث شد زیر در مسیر خدمت به اسلام تغییر رویه دهد و با یار دیرین خود وارد منازعه شود؟

۱.۶. فرزند

زیر تا قبل از بیعت با ابوبکر همدم و شریک تنهایی‌های امام علی علیه السلام بود؛ اما پسران زیر با مخالفت با امام علی علیه السلام زمینه جدایی این دو را فراهم کردند. عبدالله، پسر زیر، نقش مهمی در ایجاد کدورت و تفرقه بین ایشان داشت. امام علی علیه السلام درباره زیر می‌فرمایند: «زیر همواره با ما بود؛ تا زمانی که فرزندش عبدالله به سن بلوغ رسید.» (ابن قتیه دینوری، ۱۴۱۰: ۲۸) عبدالله در سال اول یا دوم هجرت در شهر مدینه به دنیا آمد (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۳۸). امام علی علیه السلام پیش از آغاز نبرد به زیر گفتند: «ما تو را جزو فرزندان عبدالمطلب به حساب می‌آوردیم؛ تا زمانی که فرزند شوم تو از راه رسید و بین ما آتش جنگ را شعله‌ور و چنین اختلافی را عیان کرد.» (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۵۵؛ ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۱۱۸). وقتی زیر از جنگ کناره‌گیری کرد پسرش عبدالله او را به‌خاطر کناره‌گیری از جنگ شماتت و توبیخ کرد. زیر گفت: «به خداوند قسم تو همیشه برای من فرزند شومی بوده‌ای.» (یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۱۸۲).

۲.۶. طمع‌ورزی

از عوامل تغییر رفتار زیر که روزگاری در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خدمت اسلام مجاهدت می‌کرد، میل وی به خلافت (مقدس، بی‌تا: ج ۲، ۸۷۷؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۵۵) و نرسیدن به حکومت کوفه بود (ابن کثیر، ۱۳۵۱: ج ۷، ۲۲۶؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۲: ج ۱، ۱۰۹). زیر و طلحه و سایر بزرگان که به ثروت بسیاری دست پیدا کرده بودند و با خوی اشرافیت مأنوس شده بودند و خود را جزو اشراف جامعه به حساب می‌آوردند، انتظار داشتند به پاس مجاهدت‌های گذشته بخشی از ارکان و صاحب‌منصبان دولت جدید باشند؛ اما وقتی قاطعیت امام علی علیه السلام را دیدند زبان به گلایه گشودند (اسکافی، ۱۴۰۲: ۱۰۹؛ شهیدی، ۱۳۸۸: ۱۵۱؛ بهبودی، ۱۳۶۸: ۸۰). بدین خاطر بود که پس از خروج از محضر امام علی علیه السلام با تلخ‌کامی گفتند: «آنچه انتظارش را داشتیم به دیگران واگذار کرد.» (ابن قتیه دینوری، ۱۴۱۰: ۸۰).

۳.۶. نبود بصیرت

۶۹

زبیر بن عوّام به‌خاطر اَلِیْنُ عَرِیْکَه بودن (نرم‌خو بودن) (انصاریان، ۱۳۸۸: ۲۹) و بصیرت نداشتن کافی در تشخیص مسائل نتوانست حق را از باطل تشخیص دهد و به‌همراه طلحه و عایشه بر امام علی (علیه السلام) خروج کرد. زبیر در ابتدای امر در رکاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) مردانه جنگید و مُصْرَّانه بر حق امام علی (علیه السلام) پافشاری کرد؛ اما بعد به‌خاطر نداشتن بصیرت راه را گم و با ایشان مقابله کرد. وقتی امام علی (علیه السلام) در جریان جنگ جمل سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به وی یادآوری کردند زبیر به نداشتن بصیرت خود اعتراف کرد (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ۱۸۴) و از جنگ کناره گرفت؛ ولی به‌دست یک صحرانشین به قتل رسید (مفید، ۱۳۶۷: ۲۳۴).

۴.۶. برتری جویی

از عوامل سرپیچی، برتر دانستن خود بر دیگران است؛ عاملی که نقش مهمی در واژگونی افراد دارد. یکی از دلایل تغییر زبیر حضور در شورای انتخاب خلیفه بود. عمر هنگام مرگ شورای شش نفره‌ای تشکیل داد تا خلیفه بعدی مشخص شود. یکی از اعضای این شورا زبیر بود که به نفع امام علی (علیه السلام) کنار رفت. ازجمله پیامدهای این شورا احساس شایستگی هریک از اعضا برای تصدی مقام خلافت بود. هریک از اعضای شورا خود را شایسته خلافت دید و گمان کرد صرف حضور در این شورا به معنای صلاحیت برای تصدی امر خلافت است. این حس خودبرتری منشأ فتنه‌های آینده ازجمله آغاز نبرد جمل علیه حکومت مشروع امام علی (علیه السلام) شد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۲: ج ۵، ۱۲۲). در این شورا عثمان به‌عنوان خلیفه انتخاب شد و زبیر ازجمله افرادی بود که در دوران خلافت وی به ثروت چشم‌گیری رسید. او خانه‌ای در بصره بنا کرد که ثروتمندان و تاجران بحرینی در آن ساکن بودند و خانه‌هایی هم در اسکندریه مصر داشت (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۶۹۰). زبیر به‌قدری به مال‌اندوزی اشتیاق داشت که وقتی عثمان به او ششصد هزار درهم بخشید فقط به دریافت سکه‌های اصفهانی که از همه مرغوب‌تر بود رضایت داد (ابن سعد، ۱۳۸۹: ج ۳، ۸۳). وقتی طلحه و زبیر بعد از بیعت دسته‌جمعی مردم با امام علی (علیه السلام) قاطعیت ایشان را دیدند زبان به گلایه گشودند. بدین خاطر بود که پس از خروج از محضر امام علی (علیه السلام) با ناراحتی گفتند: «آن‌چه ما انتظارش را داشتیم به دیگران واگذار کرد.»

۷. تحلیل شخصیت زیر

موافقان زیر فضیلت‌هایی برای این صحابی ذکر کرده‌اند؛ مثلاً اینکه وی یکی از ده صحابی رسول خدا ﷺ است که به آن‌ها وعده بهشت داده شده است و به «عَشْرَه مُبَشَّرَه» مشهورند و اینکه به خاطر شایعه شهادت پیامبر ﷺ نخستین کسی که شمشیر کشید زیر بود (ابن بلبان، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۴۶۳؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۵، ۳۱۱ و ۳۱۲)؛ البته باید توجه داشت بسیاری از فضائل وی توسط نوادگانش که در حدیث و سیره فعال بودند نقل شده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۵۱۱؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۲: ج ۱، ۲۳۰). زیر ادعا می‌کرد هیچ عضوی از بدنش سالم نمانده و در همه جنگ‌ها با رسول خدا ﷺ همراه بوده است (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۵۰)؛ اما نام وی در جنگ اُحد و حنین جزو کسانی که در کنار پیامبر ﷺ ایستادگی کردند ثبت نشده است (یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۶۲).

روایاتی موجود است که زیر را «فارس الاسلام»، «پهلوان»، «صاحب شمشیر بُرّان» و «حواری» یاد کرده‌اند و او را اولین کسی می‌دانند که برای صیانت از رسول خدا ﷺ شمشیر کشید. سیدجعفر مرتضی عاملی جعل این روایات را کار زیریان می‌داند که به خاطر دنیای خود و هم‌سویی با امویان و در جهت کتمان فضائل امام علی و اهل بیت ﷺ تولید شده است (عاملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۱۴ تا ۱۶ و ج ۷، ۱۸۵ تا ۲۳۵ و ج ۸، ۲۳۲).

بنا به روایتی زیر کمی بعد از ابوبکر و به دست وی ایمان آورد و چهارمین یا پنجمین کسی است که مسلمان شد. در صحت این روایات و اسلام آوردن او به دست ابوبکر تردید شده است (عاملی، ۱۳۸۵: ج ۳، ۵۶ تا ۶۱ و ۶۶ تا ۷۲ و ۱۰۰؛ یعقوبی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۵۸). زیر از جمله کسانی بود که نامش در دیوان عمر ثبت بود و سالانه پنج هزار درهم دریافت می‌کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۲۹۶ و ۲۹۷). وی هنگام ازدواج با اسماء بنت ابی‌بکر هیچ مالی به جز یک اسب نداشت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۸، ۲۵۰)؛ اما بعد دارای سرمایه‌های هنگفتی شد که در تغییر رفتار او مؤثر بود.

نتیجه‌گیری

با مقایسه دیدگاه‌ها و مرام اجتماعی زبیر بن عوام در قبل و بعد از رحلت رسول گرامی اسلام ﷺ و حضور در دوران خلفای سه گانه و حکومت امام علی علیه السلام تغییراتی در زندگی و نحوه تعامل او با حاکمان زمانه مشاهده می‌شود. زبیر جزو پیشی گیرندگان در اسلام و از جمله خواص محسوب می‌شد و در عصر حضور پیامبر ﷺ خدمات ارزنده‌ای به اسلام کرد. او با تمسک به امام علی علیه السلام با ابوبکر بیعت نکرد؛ اما این پایمردی مدت زیادی طول نکشید و در زمانه خلفا و بر اثر رسوخ روحیه اشرافیت و طمع‌ورزی و ادعای برابری با امام علی علیه السلام در شورای شش نفره، تغییر رویه داد. زبیر که قبل از رحلت پیامبر ﷺ تفاهم خوبی با علی بن ابی طالب علیه السلام داشت به خاطر دلایلی نظیر تأثیر فرزندان و نداشتن بصیرت و حس برتری جویی نسبت به دیگران به تخاصم با ایشان روی آورد و با نقض بیعت خود با ایشان به یکی از زمینه‌سازان جنگ جمل تبدیل شد. فضائل بسیاری برای زبیر نقل شده است که مشخص شد گاهی به خاطر فضیلت‌تراشی و روابط فامیلی و دشمنی با دیگران بوده است؛ اما نمی‌توان نکات منفی او را نیز نادیده گرفت. زبیر بعد از کناره‌گیری از جنگ جمل به دست یک صحرانشین در وادی السباع به قتل رسید و همان‌جا دفن شد.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحديد، عبد الحميد، ۱۳۷۲، جلوه تاريخ در شرح نهج البلاغه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۲. ابن اثیر، علی، ۱۳۸۵، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار صادر.
۳. ____، ۱۴۰۹، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر.
۴. ابن اعثم کوفی، احمد، ۱۴۱۱، الفتوح، ترجمه علی شیری، بیروت: دار الاضواء.
۵. ابن بلبان الفارسی، علی، ۱۴۱۴، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، به تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت: موسسه الرساله.
۶. ابن حبيب، بی تا، المجبر، به تحقیق ایلزه لیختن شتیر، بیروت: دار الآفاق الجدیده.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، ۱۴۰۸، العبر فی دیوان المبتدا و الخبر، به تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دار الفکر.
۸. ابن سعد، محمد، ۱۳۸۹، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۹. ابن سلام، قاسم، ۱۴۱۰، النسب، به تحقیق مریم محمد خیر الدرع و سهیل زکار، بیروت: دار الفکر.
۱۰. ابن سید الناس، فتح الدین محمد، ۱۴۱۴، عیون الاثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر (السیره النبویه)، به تصحیح ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار القلم.
۱۱. ابن طقطقی، محمد بن علی، ۱۳۶۷، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، ۱۴۱۲، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، به تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت: دار الجیل.
۱۳. ابن عساکر، علی بن الحسن، ۱۴۱۵، تاریخ مدينه دمشق، ترجمه علی شیری، بیروت: دار الفکر.

۱۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۱، البدایه و النهایه، بیروت: مکتبه المعارف.
۱۵. ابن هلال ثقفی، ابراهیم، ۱۳۷۱، الغارات، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۶۴، کشف الغمه فی معرفه الائمه، قم: نشر ادب حوزه.
۱۷. اسکافی، ابوجعفر، ۱۴۰۲، المعیار و الموازنه فی فضائل الامام امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام، ترجمه محمدباقر المحمودی، بیروت: مؤسسه المحمودی.
۱۸. آئینه‌وند، صادق، ۱۳۶۳، تاریخ سیاسی اسلام، تهران: نشر رجاء.
۱۹. بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۴۱۷، انساب الاشراف، به تحقیق سهیل صادق زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.
۲۰. __، ۱۹۸۸، فتوح البلدان، بیروت: دار الهلال.
۲۱. بهودی، محمدباقر، ۱۳۶۸، سیره علوی، تهران: بی‌نا.
۲۲. ترمذی، محمدعیسی، ۱۴۰۳، سنن الترمذی، به تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دار الفکر.
۲۳. جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۳۹۹، صفوه الصفوه، بیروت: دار المعرفه.
۲۴. حموی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۹۵، معجم البلدان، بیروت: دار صادر.
۲۵. دینوری، ابن قتیبه (منسوب به)، ۱۴۱۰، الامامة و السیاسه، به تحقیق علی شیر، بیروت: دار الاضواء.
۲۶. __، ۱۳۶۸، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
۲۷. ذهبی، شمس‌الدین، ۱۴۱۰، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، به تحقیق عمر عبدالسلام، بیروت: دار الکتاب العربی.
۲۸. زبیری، مصعب، ۱۹۵۳، نسب قریش، به تحقیق لیفی بروفنسیال، قاهره: دار المعارف.
۲۹. سبحانی تبریزی، جعفر، ۱۳۶۸، تاریخ تحلیلی زندگانی امیرالمومنین علی علیه السلام، بی‌جا: صحیفه.

۳۰. سهمودی، علی بن احمد، ۲۰۰۶، وفاء بالوفاء باخبار دار المصطفی، به تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۱. سیدرضی، محمد بن حسین، ۱۳۸۸، نهج البلاغه، ترجمه انصاریان، قم: دار العرفان.
۳۲. شهیدی، جعفر، ۱۳۸۸، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۳. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۴، من لا یحضره الفقیه، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات الاسامی.
۳۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، ۱۴۰۳، الاوائل، به تحقیق محمد شکور، بیروت: الفرقان.
۳۵. طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۸۶، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی خراسان، نجف: دار النعمان.
۳۶. طبری صغیر، محمد بن جریر، ۱۴۱۵، المسترشد فی امامه علی بن ابی طالب علیه السلام، به تصحیح احمد محمودی، تهران: مؤسسه الثقافه الاسلامیه.
۳۷. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۸، تاریخ الرسل و الملوك، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
۳۸. __، ۱۳۷۸، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوك)، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۹. عاملی، جعفر مرتضی، ۱۳۸۵، الصحيح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحديث.
۴۰. عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۱۵، الاصابه فی تمییز الصحابه، به تحقیق عادل احمد عبدال موجود، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۱. قزوینی رازی، عبدالجلیل، ۱۳۵۸، النقص، به تصحیح میرجلال الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
۴۲. مروزی، نعیم بن حماد، ۱۴۱۴، الفتن، به تحقیق سهیل زکار، بیروت: دار الفکر.
۴۳. مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۹، مروج الذهب و معادن الجوهر، به تحقیق یوسف

اسعد داغر، قم: هجرت.

۴۴. مسکویه، ابوعلی، ۱۳۷۹، تجارب الامم، به تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: انتشارات سروش.

۴۵. مفید، محمد بن نعمان، ۱۳۶۷، الجمل، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.

۴۶. مقدسی، مطهر بن طاهر، بی تا، البدء و التاریخ، به تحقیق بور سعید، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیّه.

۴۷. مقریزی، احمد بن علی، ۱۴۲۰، امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفده و المتاع، به تحقیق محمد عبدالحمید النمسی، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۴۸. ملکی میانجی، علی، ۱۳۷۵، ناکثین در دانشنامه امام علی علیه السلام، به سرپرستی غلامعلی حداد عادل، تهران: امیرکبیر.

۴۹. نویری، شهاب الدین، ۱۳۶۴، نهایه الأرب فی فنون الأدب، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: امیرکبیر.

۵۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق، ۱۴۱۵، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر.

